

## نوروز تجلی صلح و دوستی در فرهنگ عامه<sup>۱</sup>

مصطفی جعفرزاده دستجردی<sup>۲</sup>

امروزه اغلب آداب و رسوم مربوط به نوروز، مانند بسیاری از آیین‌های دیگر، دستخوش تغییر و تحولات فرهنگ نوین و زندگی مدرن مردم، در اکثر نقاط و حتی دور افتاده‌ترین روستاهای ما شده است، اما با کمی برگشت به زندگی سنتی و ساده و بی‌آلایش مردم می‌توان صلح و دوستی و حسن همزیستی آنان را در همه آداب و رسوم مربوط به نوروز، مشاهده کرد. این مقاله به روش اسنادی - توصیفی با مروری کوتاه به آداب و رسوم گذشته نوروزی در روستای دستجرد بخش کهک قم؛ از جمله تهیه و تدارک نوروز، رسم و آیین آشتی‌کنان، دیدوبازدیدها، همزیستی و مهروروزی در سیزده بدر و... به تجلی صلح و دوستی در اغلب این آداب می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: صلح و دوستی، فرهنگ عامه، نوروز

---

۱. مطلب پیش رو گزارشی از مشاهدات میدانی نویسنده در روستای دستگرد بخش کهک قم است.

۲. فرهنگیار واحد فرهنگ مردم مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما. آقای جعفرزاده دستجردی از سال ۱۳۵۳ همکاری خود را با واحد فرهنگ مردم صداوسیما آغاز کرده است و از فرهنگیاران فعال این واحد به‌شمار می‌روند. ایشان تاکنون صدها صفحه گزارش فرهنگ‌یاری در موضوعات مختلف ارسال کرده‌اند که از آنها در گزارش‌های پژوهشی و برنامه‌سازی بهره‌برده شده است.

## مقدمه

طی سال های گذشته نوروز نیز مانند بسیاری دیگر از آداب و رسوم ایرانی با تغییراتی همراه بوده است. بسیاری از آداب و رسوم کهن و اصیل مردمان گذشته، جای خود را به تشریفات و تجملات زیانبار امروزی داده‌اند. این درحالی است که صفا و صمیمیت بی‌آلایش مردمان دهه‌های گذشته را می‌توان در آیین صلح و دوستی و همزیستی آنها در همه آداب و رسوم مربوط به نوروز به خوبی مشاهده کرد. می‌توان گفت که همه آن جنب و جوش‌های پرشور و شوق و شادی‌بخش مردم در روزهای پایانی سال و استقبال از فرارسیدن سال نو، علاوه بر اینکه بهانه‌ای برای چند روز تفریح و نشاط و صفا بخشیدن به خانه و زندگی و تنوعات دیگر است، در واقع فرصتی برای ایجاد رابطه دوستانه و صلح‌آمیز ایجاد می‌کند. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی آداب و رسوم مربوط به نوروز در فرهنگ گذشته و حال مردم روستای دستجرد بخش کهک قم، به تجلی صلح و دوستی در هر یک از این آداب پرداخته شود.

## تهیه و تدارکات نوروزی

تدارک نوروزی با کارهای مختلفی از قبیل تهیه و آماده‌سازی مواد غذایی مرسوم ایام نوروز، تهیه و آماده‌سازی انواع آجیل و تنقلات مخصوص پذیرایی در دید و بازدیدهای نوروزی، پخت نان مرسوم نوروز، خانه‌تکانی و نظافت کلیه لوازم منزل آغاز می‌شد. زنان و دختران هر کوچه و محله اعم از اقوام و خویشاوندان و غیرخویشاوندان، در تدارک نوروز به صورت زمان‌بندی شده و گروهی همکاری می‌کردند و بین آنها تعاون و همیاری جریان داشت. برای نمونه، در گذشته، در همه خانه‌ها بخصوص خانه‌های کوچک، تمامی امکانات لازم تهیه مواد غذایی از جمله: سرکو<sup>۱</sup> (هاون سنگی)، دساس، اجاق مخصوص و فضای مناسب کار وجود نداشت. در مقابل، در هر محله‌ای، چند خانه بزرگ متعلق به مالکانی بود که چنین امکاناتی را در اختیار داشتند. این خانه‌ها از اوایل تا اواخر اسفند با تمامی امکانات خود در اختیار

1. serku

اهالی محلی قرار می‌گرفتند تا طبق یک برنامه زمان‌بندی شده بین خودشان به آنجا مراجعه کنند و با کمک و همیاری یکدیگر، حتی صاحبان همان خانه، به کارهای مربوط پردازند. افراد محله، حتی به فکر خانواده‌های کم‌درآمد نیز بودند و نیازمندی آنها را به دور از چشم دیگران تهیه می‌کردند.

برای پخت و آماده‌سازی انواع نان‌های مرسوم نوروز، در بعضی خانه‌های بزرگ، تنور نانوایی و امکانات لازم دیگر فراهم بود و در طول چند روز آخر اسفند ماه هر روز را به پخت نان مور نیاز چند خانواده از اعضای محله اختصاص می‌دادند. این کار هم به صورت گروهی انجام می‌شد. نانوهای محلی که چند تن از زنان ماهر بودند، برای پخت نان عید از خانواده‌های محروم و بی‌بضاعت مزدی دریافت نمی‌کردند و فقط به‌عنوان نمک و برکت نان، قرصی از آن را می‌گرفتند.

کار خانه‌تکانی هم به صورت زمان‌بندی شده و نوبت به نوبت، در هر خانه با کمک و همیاری اهالی انجام می‌شد و تا هیچ خانه‌ای را به دلخواه صاحب آن تمیز نمی‌کردند، به سراغ خانه بعدی نمی‌رفتند. شستشوی فرش، ظروف و لباس‌ها با توجه به نبود آب در همه خانه‌ها، در کنار نهرهای جاری خارج از خانه کار دشواری بود اما چون در قالب کمک و همیاری انجام می‌گرفت، با شادی و ابراز محبت و مهربانی نسبت به یکدیگر توأم بود و کسی احساس خستگی و ناتوانی نمی‌کرد. همه با شور و شوق به کمک دیگری می‌شتافتند و حتی گاهی برای خشک کردن فرش و لحاف شسته شده در فضای آفتاب‌گیر و مناسب اطراف آبادی که دامنه کوه‌های نزدیک بود، مسافت زیادی را طی می‌کردند. این کار بدون کمک و یاری دیگران بسیار دشوار و طاقت‌فرسا بود اما چون با همیاری و به صورت دسته‌جمعی انجام می‌گرفت، شادی و نشاط معنوی زیادی را به دنبال داشت.

این همیاری در بین مردان و در کارهایی مانند مرمت و زیباسازی درودیوار خانه‌ها، جابه‌جایی وسایل سنگین و ... نیز رواج داشت؛ کاری که برای نسل جوان امروز تا حدی غریب است.

## رسم و آیین آشتی کنان

شکل بارز صلح و دوستی در آستانه فرارسیدن نوروز، رسم قشنگ آشتی کنان بین همه طایفه‌ها و خانواده‌های ساکن یک آبادی بود که از چند روز قبل برای رفع همه اختلاف‌ها، کینه‌ها و کدورت‌های کهنه شده سال، با هدف حضور عموم افراد در آیین‌های مربوط و دیدوبازدیدهای این ایام، انجام می‌گرفت تا در آستانه تحویل سال، هیچ‌گونه کینه و خشمی در دل اشخاص باقی نماند.

در زندگی اجتماعی، در مشارکت‌های شغلی، در نحوه تقسیمات ملکی و آبادی و خلاصه در رفت و آمدهای خانوادگی، گاهی اختلاف، درگیری و نزاعی بین دو طایفه، دو خانواده یا افراد مختلف اتفاق می‌افتاد که منجر به ماه‌ها خشم و کدورت و کینه بین آنها می‌شد، اما با فرارسیدن نوروز لازم بود که این‌گونه اختلاف‌ها و کدورت‌ها به کلی از بین برود و جای خود را به صلح و دوستی بدهد. این آیین پسندیده، دو سه روز قبل از عید نوروز، با وساطت چند تن از ریش‌سفیدان و گیس‌سفیدان هر طایفه یا خانواده، در خانه یکی از آنها برگزار می‌شد. بانی و واسطه این امر، هر کس که بود، در خانه خود می‌نشست و با فرستادن قاصد، از دو طرف اختلاف و چند تن از بزرگان آبادی هر طایفه دعوت می‌کرد تا در آنجا حضور به هم رسانند؛ سپس در این مجلس موسوم به «آشتی کنان» با ذکر چند آیه از قرآن و روایت از کتاب‌های دینی در مذمت و منع کینه و کدورت و قهر مؤمن که از سوی اهل علم مجلس خوانده می‌شد، دو نفر از حاضران مجلس با اشاره بزرگ آبادی، از جا برمی‌خاستند و هرکدام، دست یکی از دو طرف اختلاف را می‌گرفتند و از زمین بلند می‌کردند و در دست طرف دیگر قرار می‌دادند. سپس امرشان می‌کردند که صورت همدیگر را ببوسند؛ هریک از آنها با قبول اشتباه خود، از دیگری عذرخواهی می‌کرد و یک شیرینی از جعبه‌ای که در مجلس گذاشته شده بود، به او تعارف می‌کرد. پس از خروج از مجلس آشتن کنان هم تا قبل از تحویل سال نو به خانه همدیگر می‌رفتند تا برای دیدوبازدید مراسم نوروز عذری نباشد. اگر این آشتی بین دو یا چند نفر صورت می‌گرفت، خانواده و اقوامشان هم به تبعیت از

## نوروز تجلی صلح و دوستی در فرهنگ عامه ❖ ۱۵۹

شخص اصلی، خودشان با همدیگر صلح و آشتی می‌کردند. در بین زنان، گیس سفیدان نقش واسط را ایفا می‌کردند.

### روز علفه و گلگشت‌های دوستانه زنان و دختران

یک روز قبل از عید نوروز را علفه می‌نامیدند. در این روز، به بهانه گشت‌زنی، گروهی متشکل از زنان و دختران هر کوچه و محله، در دشت‌زارهای اطراف روستا به گردش می‌پرداختند و در آستانه سال نو فرصتی برای باهم بودن و صلح و دوستی می‌یافتند. هر بار هم علف‌های هرزی را که بر سر راهشان بود، به نیت باز شدن گره از مشکلات خود و دیگران گره می‌زدند و سپس مقداری از علف‌های هرز گره زده را بر سر قنات‌ها و جویبارها می‌بردند و داخل آب روان می‌ریختند تا به این شکل تمام کینه و کدورت‌ها را در گره بسته علف‌ها به آب روان بسپارند. همه این آداب در صبح روز آخر اسفند در واقع تجلی صلح و دوستی آنان نسبت به یکدیگر بود که به نوعی دیگران را مشمول و لایق دوستی خود قرار می‌دادند.

### زیارت اهل قبور و فاتحه‌خوانی در عصر روز علفه

آداب رفتن به زیارت اهل قبور و فاتحه‌خوانی و خیرات برای اموات هم که در عصر روز آخر اسفند و شب عید، از گذشته تاکنون مرسوم بوده و هنوز به قوت خود باقی است. این کار صرف نظر از جنبه خیرات و صوابی که برای اموات دارد، به نوعی، تجلی صلح و دوستی زنان و مردانی است که در این روز به اتفاق هم بر سر مزارها می‌آیند و هر یک پس از فاتحه‌خوانی برای مردگان خود به نشان صلح و دوستی بر سر مزار دیگران حاضر می‌شوند و در جمع بازماندگان به فاتحه‌خوانی و تشریک مساعی می‌پردازند. این درحالی است که در دیگر مواقع فاتحه‌خوانی مانند شب جمعه، این تشریک مساعی صورت نمی‌گیرد.

## خارج کردن از عزا و عیدنشینی صاحبان عزا

بنا بر رسم و آیینی کهن که امروزه نیز در بین قدیمی‌ها رواج دارد، اقوام نزدیک متوفی با وساطت و پادرمیانی اقوام دورتر از عزا در می‌آیند و جامه سیاه خود را به رنگی شادتر بدل می‌کنند. اما اگر چنین خانواده‌هایی در آستانه نوروز در عزا باقی مانده باشند، همه اهالی درصدد خارج کردن آنها از عزا برمی‌آیند. این رسم در حقیقت، مقدمه‌ای است برای عید دیدنی در روز عید نوروز که پس از تحویل سال، مقدم بر دیدارهای دیگر است؛ صاحبان عزا هم اگر پس از چهلم، نوروز عید اولشان باشد، در خانه می‌نشینند تا اهالی به دیدنشان بروند. این رسم را در اصطلاح «عیدنشینی» می‌گویند.

در مراسم عیدنشینی که زمان آن از صبح تا ظهر است، تمام کسانی که به خانه صاحبان عزا برای عید دیدنی می‌روند، با وجود هرگونه اختلاف و کدورت با شخص یا بازماندگان متوفی، حتی اگر حقی از آنها پایمال شده باشد، همه چیز را می‌بخشند و خطاب به بازماندگان اعلام حلالیت و رضایت می‌کنند. این عمل که همچنان نیز ادامه دارد، نشان دهنده صلح و دوستی اهالی در نوروز است.

## دیدوبازدیدهای نوروزی

امروزه دید و بازدیدهای نوروزی در دو سه روز اول فروردین و تنها بین اقوام و خویشاوندان و همسایگان نزدیک صورت می‌گیرد اما تا دو سه دهه گذشته، این دیدوبازدیدها بین تمام خانواده‌های ساکن و همه طبقات، اعم از خویش و بیگانه رواج داشت و از روز اول تا پایان شب سیزدهم ادامه می‌یافت. این دیدوبازدیدها به ترتیب اولویت سنی و خویشاوندی، با پدربزرگ و مادربزرگ، مادر و پدر، برادر و خواهر، عمو، دایی، عمه، خاله و همچنین فرزندان آنها شروع می‌شد و تا روزهای آخر، به دورترین خانواده‌های بومی و محلی می‌رسید؛ به این ترتیب، هیچ خانواده‌ای نبود که از یاد کسی فراموش شود. طبق قرار قبلی، زمانی را برای رفتن به خانه کسی در نظر می‌گرفتند و با همه آشنایانی که در آبادی‌های اطراف و یا شهرشان سکونت داشتند، و

## نوروز تجلی صلح و دوستی در فرهنگ عامه ❖ ۱۶۱

دیدوبازدید می‌کردند. این سنت دیدوبازدید عمومی در ایام نوروز، بیشتر با هدف تحکیم صلح و دوستی بین خانواده‌ها اجرا می‌شود.

### کمک به تأمین نیازهای شب عید خانواده‌های بی‌بضاعت

امروزه مردم نسبت به گذشته از رفاه بیشتری برخوردارند و نیازهای شب عید و ایام نوروز را هم متناسب با شأن خود فراهم می‌کنند. اما در گذشته، در هر روستا و محله شهر، خانواده‌هایی بودند که شغل و درآمد مشخصی نداشتند و به سختی گذران زندگی می‌کردند. در مقابل، افرادی بودند که کسب و کار خوبی داشتند و هرکدام با توجه به نوع شغل‌شان، نیاز شب عید افراد بی‌بضاعت و فرزندان‌شان را (از تهیه خوراک گرفته تا پوشاک) به طور پنهانی برآورده می‌کردند. حتی هنگام عیددیدنی از این خانواده‌ها، جعبه‌ای شیرینی یا مبلغی پول نیز به آنها عیدی می‌دادند.

### عیدی کودکان و خردسالان

یکی از تهیه و تدارکات نوروزی، رنگ کردن تخم‌مرغ با رنگ‌های قرمز و بنفش<sup>۱</sup> برای عیدی بچه‌های خردسال بود که قبل از فرارسیدن عید در همه خانه‌ها به تعداد لازم تهیه می‌شد.

عیدی مخصوص بچه‌ها که به همه خانه‌ها سر می‌زدند و با گفتن «عید شما مبارک» آن را از صاحب خانه می‌گرفتند، به طور معمول، سکه‌ای پول یا ظرفی از آجیل‌های محلی از قبیل گردو، بادام، نخود و کشمش، خرما، گندم شاهدانه و انجیر خشک بود که در همه خانه‌ها پیدا می‌شد. اما عیدی مخصوص نوه‌ها و نورچشمی‌ها، یکی دو عدد تخم‌مرغ رنگی در کنار خوراکی‌های دیگر بود. و این تخم‌مرغ‌های رنگ کرده و پخته شده در آب را برای ابراز دوستی، به فرزندان هم که پدر و مادرشان پس از مدتی

---

۱. برای رنگ قرمز از مرکورکوم یا جوهر قرمز استفاده می‌کردند و برای رنگ بنفش از گیاهی به نام «تخم رنگ کنه» که در ماه اسفند می‌روید و گلی شبیه دانه توت به رنگ آبی بنفش دارد. مقداری از این گیاه تک‌دانه‌ای را در دیگ آب می‌ریختند و تخم‌مرغ‌ها را داخل آن قرار می‌دادند تا پس از جوش آمدن آب که رنگش آبی می‌شد، پخته و رنگ شوند.

اختلاف و کدورت، با یکدیگر آشتی کرده بودند، باعزت و احترام تقدیم می‌کردند تا به این ترتیب، انس و الفت بیشتری بین دو خانواده ایجاد شود. طرف مقابل هم به هنگام بازدید آنها به همین شکل یا بهتر عمل می‌کرد. خانواده‌هایی که مرغ خانگی یا تولید تخم مرغ نداشتند، تخم مرغ‌ها را یا از خانه‌های دیگر تهیه می‌کردند و یا به جای آن هدایای دیگری از قبیل اسکناس به بچه‌ها می‌دادند.

### سبزه بدر تجلی صلح و دوستی همه زنان و دختران آبادی

سبزه بدرهای امروزی مردم روستاها متفاوت از شهرهاست؛ در روستا سبزه بدر در خانه برگزار می‌شود. یعنی چند خانواده یا فامیل در خانه‌ای که فضای مناسبی دارد، گرد هم می‌آیند و با خوردن آجیل و غذایی لذیذتر از روزهای دیگر مانند کباب و جوجه کباب، ساعاتی را دور هم می‌گذرانند.

اما کمتر از چهل سال قبل، سبزه بدر نوروز در فرهنگ مردم روستاها، همراه با آداب و رسوم و تشریفات خاصی برگز می‌شد که همگی تجلی صلح و دوستی و حسن همزیستی در کنار همدیگر و دور از خانه و کاشانه بود. بخشی از تهیه و تدارکات نوروزی که در ماه اسفند و در آستانه فرارسیدن نوروز، زنان و دختران را به خود مشغول می‌کرد، مختص سبزه بدر و گردش دسته‌جمعی بود.

در سمت غرب روستای دستگرد و کمی دورتر از بافت مسکونی آبادی، باغ بزرگی است محصور در دیوارهای گلی به ارتفاع حدود پنج متر که با استادی و مهارت خاصی چیده شده است. این باغ که «اجلالیه» نام دارد، متعلق به یکی از ملاکین آبادی است و در حال حاضر، به دلیل نبود آب قنات مجاور تمام درختان آن خشک و بریده شده است. این باغ تا چند سال قبل با آب قناتی که از میانش روان بود، سرسبز و پر از درختان میوه بود. در گذشته، روز سبزه بدر این باغ به زنان و دختران سپرده می‌شد تا اسباب و اثاث از قبل تهیه شده را بدون همسران و پسران بالای هفت سال خود به باغ ببرند. هر گروه از آنان که مهمان دیگری بودند، بر روی فرش گسترده خود می‌نشستند و به خوردن انواع خوراکی و شادی مشغول می‌شدند. جوان‌ترها در میان باغ به بازی



### نوروز تجلی صلح و دوستی در فرهنگ عامه ❖ ۱۶۳

مشغول بودند و مسن ترها به گپ و گفت و بازی‌های نمایشی می‌پرداختند. هنگام ظهر نیز هر گروه کنار سفره‌ای از انواع غذاهای مرسوم و متفاوت می‌نشستند و به گروه‌های مجاور خود نیز غذایشان را تعارف می‌کردند. پس از ناهار نیز باز به بازی و سرگرمی مشغول می‌شدند. مردان نیز که ناهارشان در خانه فراهم شده بود، در گروه‌های سنی مختلف به گردش و تفریح در باغ و دشت‌های اطراف و یا بازی‌های محلی در میدانی آبادی و فضاهای باز اطراف می‌پرداختند. افراد سالخورده نیز داخل خانه‌ها دور هم جمع می‌شدند و این روز را سپری می‌کردند.

در واقع می‌توان گفت که روز سیزده بدر به عنوان آخرین روز از ایام نوروز، نماد بسیار روشن و آشکاری از برقراری صلح و دوستی در میان زنان و مردان چندین طایفه، خانواده و خویش و بیگانه ساکن در یک آبادی بود. چنین سنتی در همه آبادی‌های منطقه به شکل‌های گوناگون رواج داشت اما، متأسفانه امروزه از میان برچیده شده و جدایی جای آن را گرفته است. اینها همه ناشی از فراموش شدن برخی از آداب و رسوم گذشته است که سنت‌های نوروزی از آن برکنار نبوده است.

